

قدرتمندی جنبش محرومان

حزب حکمتیست - خط رسمی

حکمتیست
۲۴۷

۴ مارس ۲۰۱۹ - ۱۳ اسفند ۱۳۹۷
دوشنبه ها منتشر میشود

اعتراضات مردم آزادبخواه
ایران علیه فقر، بیکاری، فساد
مالی، تبعیض و بی حقوقی و
برای رفاه و آزادی، با گسترش
بیشتری در جریان است.
اعتصاب و اعتراض علیه فقر و
استبداد و برای رفاه و آزادی،
کارخانه، مدرسه، دانشگاه،
ادارات و بالاخره شهرها را به
تصرف خود در آورده است.
اعتراضات کارگران بخشهای
مختلف تولیدی از عسلویه،
بلبرینگ سازی تبریز، راه آهن،
کارگران بازنشسته فولاد و
ذوب آهن در خوزستان و
اصفهان، به عدم پرداخت
حقوق های خود، تا تجمعات
کارگری در اعتراض به فساد
سیستماتیک اداری، نا امنی
شغلی، گرانی و تورم کمر
شکن و بیکاری، زندگی زیر
خط فقر، همه و همه نوک کوه
جنبش عظیمی است برای
رفاه، سعادت، زندگی انسانی،
آزادی و برابری، که جمهوری
اسلامی را به جنگ میطلبد.
صفحه ۲

۸ مارس سنگر رهایی زن

فواد عبداللهی

جنبش دفاع از حق زن راه درازی را طی کرد تا
توانست ۸ مارس را در ایران بعنوان روز دفاع از
برابری و رهایی زن، زیر حاکمیت سیاه جمهوری
اسلامی تبدیل کند. این جنبش به تحمیل ۴ دهه
حجاب و آپارتاید جنسی تن نداد، به مقابله با گله
های حزب الله و چاقوکشان رژیم بسنده نکرد. این
جنبش توانست ۸ مارس را بعنوان روز جهانی زن،
روز اعتراض به تبعیض و نابرابری، روز اعتراض علیه
قوانین ضد زن، به خود جمهوری اسلامی تحمیل
کند. این دستاورد و پیشروی بزرگی برای جنبش
برابری طلبانه زنان تاکنون بوده است. تثبیت ۸
مارس، روزی که دستاورد جنبش سوسیالیستی و
کارگری است، بعنوان روز زن نشانه عرض اندام و
قدرت گرایش سوسیالیستی، رادیکال و چپ در
جنبش دفاع از حق زن در ایران است.

امروز سرمایه داری بانی و حامی زن ستیزی در
سراسر جهان است. این قاعده عمومی است. اما
سرمایه داری مسلح به سلاح اسلامی، مخرب ترین و
کشنده ترین و مخوف ترین شکل زن ستیزی را به
کلکسیون تبعیضات در حق زن اضافه کرده است.
تعزیر، حجاب و منکرات، مخوف ترین و مخرب ترین
سلاح در تخریب شخصیت انسان متمدن عصر ما
است. سلاحی که از ایران تا پاکستان و الجزایر و
افغانستان، از سومالی تا عراق و در هر کجا که دار و
دسته های اسلامی زندگی میکنند، میلیونها میلیون
قربانی گرفته است و هر روز تعداد بیشتری از زنان را
به صلابه میکشد. اما این تمام واقعیت زندگی زنان
نیست! ... صفحه ۴

از تهران تا دمشق و بغداد،

“فریاد رسی” نیست! ثریا شهبانی

از میان اخبار و بررسی های روز:

“با خروج ترامپ از برجام هنگامی که نوبت به تصمیم سرنوشتساز رسید، رهبر برجام را آتش که نزد هیچ؛
”برجام اروپایی” را گردن نهاد. محقق ساختن برجام اروپایی نیز به ظریف واگذار شد ولی پس از ۱۰ ماه،
مکانیزمی (اینستکس) از سوی اروپا ارائه شد که شرط آن گردن نهادن به شروط شفافساز “گروه مالی ویژه
بینالمللی” یا همان FATF است. این سازمان خواستار شفافیت کامل ایران در مقررات مالی-پولی-بانکی از
جمله در قانون مبارزه با پولشویی و مبارزه با تامین مالی تروریسم است.” ... صفحه ۳

حق شهروندی یا شجرنامه؟!

امان کفا

تصمیم دولت بریتانیا مبنی بر لغو
حق شهروندی شمیمه بیگم،
دختری که چهار سال پیش در
سن ۱۵ سالگی از بریتانیا به
سوریه رفته بود، با موجی از تائید
و تقبیح مواجه شد. با لغو حق
شهروندی، عملا دولت بریتانیا به
خواست بازگشت وی و نوزادش
از کمپ پناهندگان سوریه ای،
جواب منفی داد.
لغو حق شهروندی امروز، در
حقیقت دست پیش گرفتن برای
تحریف همان سیاست های
جریانات راست و دولت های
بورژوازی است که تا دیروز ادعا
می کردند که مخالفین بشار اسد،
خود بایستی آستین بالا بزنند و به
جنگ با آن دولت بروند، سیاست
هایی که پیوستن به “جنگجویان
مبارز” را تشویق می کرد. سیاست
هایی که توسط همین دولتها
تجویز شده بود که زیربنای رشد
انواع و اقسام گروه های قومی -
مذهبی را پی ریزی کرد، و باز بر
مبنای همان سیاست ها بود که
دست دوستان منطقه ای شان، از
ترکیه تا عربستان سعودی، را
برای امکان رسانی به همین
نیروها باز گذاشته بود. اما با دست
درازی داعش از یکطرف، و با
ورود خیل عظیم مردمی که برای
فرار از جنگ و بی خانمانی، به
سمت اروپا به حرکت درآمدند، از
طرف دیگر، ورق برگشت. اگر بار
اول از همان مردم با سیم خاردار
و کمپ های بی امکانات استقبال
کردند، امروز نیز خواهان باقی
مانند آنها در همان منطقه
هستند. ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

قدرتمندی...

تحصن سه روزه معلمان در بیش از صد شهر و روستا در سراسر ایران، با خواسته های مشترک بار دیگر قدرت متحد و سازمان یافته این بخش از جامعه را، در مقابل چشم همگان قرار داد. معلمان در هزاران مرکز آموزشی برای آزادی معلمان دریند، برای بهبود کیفیت آموزش، علیه پولی کردن مدارس، برای رفاه و بهبود وضعیت معیشت خود و برای آزادی فعالیت تشکلهای صنفی خود، دست به تحصن زدند. خواسته هایی چون "دستمزد عادلانه حق مسلم ماست"، "خط فقر هفت میلیون؛ دریافتی ها دو میلیون"، "از هفت تپه تا تهران

کارگران در زندان"، "نان کار آزادی؛ حق مسلم ماست"، "درود بر کارگر؛ مرگ بر ستمگر" و "دولت خیانت می کند مجلس حمایت می کند"، که کارگران شرکت واحد در تجمع امروز خود اعلام کردند، فریاد مشترک معلم و پرستار، کارمند شهرداری و دانشجوی با کارگر هفت تپه، فولاد، هیکو، عسلویه، پتروشیمی، خودروسازی و... است. این پیوند، این تسلسل و بهم پیوستگی بخش های مختلف جنبش محرومان با طبقه کارگر، مهمترین دستاورد یک ساله اخیر جنبش کارگری و جنبش برای رفاه و آزادی در ایران است. آزادی معلم، دانشجوی و کارگر زندانی، بیمه

مکفی برای همگان، آزادی فعالیت تشکلهای صنفی و ... خواست مشترک اکثریت محروم علیه تبعیض و شکاف عمیق طبقاتی، علیه استبداد و در یک کلام علیه وضع موجود است. این جنبش محرومان است که علیه وضع موجود و برای آینده ای مرفه، آزاد و سعادتمند، با محوریت طبقه کارگر، به میدان آمده است. این جنبش باید نیروی خود را متشکل تر، متحدتر و همبسته تر کند. باید اعتراض و مبارزه در کارخانه را به اعتراض و مبارزه در محل زندگی وصل کرد. باید با راه اندازی سازمانهای توده ای وسیع، در هر شکل و در هر جغرافیایی، اعتراض کارگر و

معلم و دانشجوی معترض، را از هفت تپه و فولاد تا دور افتاده ترین کارگاه و کارخانه، از سنج، از اهواز تا اصفهان، از تهران تا همدان، این جنبش را متشکل و متحد کرد. باید جنبش محرومان را در مجامع عمومی و شوراهای مردمی محلات، کارخانه، دانشگاه و ... سازمان داد و پیشروی آن را تضمین کرد. باید اعتصاب و اعتراض امروز را با نیروی متحد، قدرتمند و سازمان یافته خود، به سکوی پیشرویهایی بیشتر و جدال اصلی و سرنوشت ساز با حاکمیت کرد. قدرت این جنبش در اتحاد و تشکل آن است. برای پیشروی امروز و پیروزی فردا باید در

سازمانهای توده ای خود متحد و متشکل شد. حزب حکمتیست (خط رسمی) همه فعالین، رهبران کارگری و بویژه کمیونیستها را به دخالت فعال در سازمان دادن این مجامع عمومی و شوراها، در متحد و متشکل کردن بخش هرچه وسیعتری از مردم در شوراهای مردمی فرامیخواند. باید این نیروی عظیم و رادیکال را از پراکندگی بیرون آورد. باید آنرا برای جدال امروز و مهمتر از آن برای پیروزی در جدال فردا بر سر آینده جامعه آماده، متحد و متشکل کرد. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) ۱۳ اسفند ۱۳۹۷ - ۴ مارس ۲۰۱۹

حق شهروندی...

کسانی که به تشویق همین دول به سوریه رفته بودند، یکبار دیگر هم، قرار است قربانی شوند. حکمی که نه شامل انواع نیروهای مرسوئی، و اجیر شده، بلکه در مقابل کسانی که گول این سیاست ها را خوردند. دختر ۱۵ ساله ای که از حق شهروندی محروم می شود، نه اولین و نه آخرین این قربانیان است. قرار بر پاک کردن هرگونه ردپای سیاست های این دول در پیشبرد سیاست نابودی منطقه، در راه اندازی انواع جریانات ارتجاعی و آدمکش قومی و مذهبی، است. در این راه، نه حتی جرم و ارتکاب جرم، بلکه حتی حق شهروندی از پیش گرفته شده است.

متعدد، به همین "اصل" پایبند بوده و هستند، امری جدید نیست. آنچه که این مسئله را امروز متفاوت می کند، این است که دولت بریتانیا با ارائه این تصمیم، به این درجه عقبگرد و حتی نفی حفظ ظاهری که سنتا در میان دولت های کشورهای "مهد دمکراسی" مرسوم بوده است، رسمیت داد. این تصمیم، در عین حال خود نشانه ای از ناتوانی غرب در پاسخگویی به وضعیت وخیمی است که امروز گریبان این جوامع را گرفته است. بر خلاف دوره ای که حق شهروندی بخشی از تبلیغات و مایه فخر فروشی و ادعاهای دنیای "متمدن" بر علیه رقبای "شرقی" ابراز می شد، امروز بورژوازی حاکم، هر پوششی برای سیاست های بغایت غیر انسانی را کنار گذاشته است. دوره ای است که کارت نژاد و نژاد پرستی علیه "خارجی"، معرفی آنان به مثابه مسبب مشکلات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، در مقابل مردم

این جوامع قرار داده شده است. فاشیسم در بدنه دولت، پاسخی است که دول غربی در مقابل احتراز پرچم "پناهندگان خوش آمدید" مردم اروپا، قرار داده اند. این جنبه دیگر سیاستی است که بدین ترتیب دنبال می شود. حق شهروندی دیگر نه فرد و یا سابقه اش، نه به مثابه یک عضو جامعه، بلکه به محل تولد خانواده اش ارجاع داده شده است. شمیمه بیگم متولد بریتانیاست، ولی مادرش بنگلادشی است، پس می تواند شهروند کشوری که ندیده است باشد! این تصویر بغایت عقبنامده متعلق به داده هایی است که به یمن مبارزات با سابقه علیه آن، و پس از جنگ جهانی دوم به دول بورژوازی تحمیل شده بود. امروز با لغو حق شهروندی، دولت اعلام داشته است که شهروندی حقی است که بستگی به شجره نامه ها دارد. دولت بریتانیا در قرن بیست و یکم، به این بی حقوقی

رسمیت بخشیده است. بی حقوقی که بعد از جنگ جهانی قرن گذشته در زورق "ویزا" پیچیده شده بود، امروز تحت نام "مبارزه با تروریسم" به پیش برده می شود. نباید اجازه داد که دولت هایی که جنگ های رقابتی میان خود را با دامن زدن و پر و بال دادن به جانوران گروه های قومی و مذهبی، با نیروهای تروریست بگونه ای پراکسی، به پیش برده اند، این بار با حمله دیگر، حق شهروندی را نیز به گروگان بگیرند. نباید اجازه داد که رابطه دولت های بورژوازی، معیار حق شهروندی قرار گیرد. حق شهروندی هیچ کسی که به ارتش اسرائیل بپیوند و در جنگ علیه مردم فلسطین شرکت کند، گرفته نمی شود. حق شهروندی کسی که همین امروز در جنگ در یمن شرکت کند، گرفته نمی شود، حق شهروندی آنان که در هواپیما ها به بمباران فرشی شهروندان در عراق و سوریه دست زدند، گرفته نمی شود، و

هزاران هزار نمونه دیگر. در دنیایی که معیار تروریست بودن و نبودن، نه بر اساس جرم علیه مردم بلکه بر اساس دوستی و عدم دوستی، و یا نزدیکی یا دوری از سیاست های رسمی دولت "متمدن" سنجیده می شود، حق شهروندی هم قرار است با همان معیار تعیین شود. معیاری که به شجره نامه شهروند، و میزان همسویی با سیاست های دولت بستگی دارد. و این آن سیاستی است که نه فقط در بریتانیا، بلکه در اروپا و آمریکا، و فراتر در ایران و پاکستان و ترکیه و ... قرار است به نرم جامعه تبدیل شود. امروز، بار دیگر وقت آن است که نیروی آزادیخواهی که یکبار پیشبرد سیاست های ضد خارجی همین دول غربی را " با پیشوازی از مهاجران و فراریان از جنگ و نابودی به عقب راند، لازم است که دوباره به میدان آید و در مقابل این هجوم لجام گسیخته به دستاوردها را بگیرد.

از تهران تا ...

برجام بیفرجام نیازمند یک قربانی است. برجام نرمش "قهرمانه" نشد. رهبر آن را «خسارت محض» ارزیابی کرد. ناگزیر مقصری باید یافت. کدام مقصر بهتر از مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای و تیم همراه او. تا همینجا، جناح دلوپس عناصری از تیم مذاکره‌کننده را متهم به جاسوسی کرده اند. برای مثال کار به جایی رسید که برخی اعضای تیم مذاکره‌کننده (عبدالرسول درمی‌اصفهانی) را به جرم جاسوسی گرفتند. در مورد استعفا و بازگشت به کار ظریف، وزیر خارجه: "از آنجایی که سیاست خارجی از حوزه‌های تحت تصرف رهبر است، دلایل استعفا او حتماً باید با رهبر در میان گذاره شده باشد. رهبر یا باید نظرات کارشناسانه را گردن نهد یا فرو رفتن بیشتر اقتصاد ایران در منجلاب را." "گزینه نخست گردن نهادن به انتخاب سخت و گزینه دوم فروپاشی است. تلنگر ظریف برای حفظ جایگاه وزارت خارجه در نظام تصمیم‌سازی، در معنا «تلنگر محترمانه» به رهبر بود." رادیو فردا تهران شرط اروپا را برای راه اندازی نظام ویژه مبادله پایپای غیرقابل قبول خواند جمهوری اسلامی ایران شرط اروپا را برای به راه انداختن نظام مبادله پایپای نفت در ازای غذا و دارو غیرقابل قبول خواند. اتحادیه اروپا راه اندازی این نظام ویژه مبادله پایپای را بعضاً به مبارزه جمهوری اسلامی ایران با پولشویی و حمایت مالی از تروریسم و پذیرش مصوبات نهادهای بین‌المللی به ویژه گروه اقدام مالی (موسوم به "گافی" یا "اف تی اف") مشروط کرده است. انتشار گفتهای ۸ ماه پیش خامنه‌ای علیه اروپا همزمان با افزایش

کشمکشهای سیاسی در ایران بر سر دو لایحه مربوط به مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، و بسایت رهبر جمهوری اسلامی متن گفتهای هشت ماه پیش او علیه کشورهای اروپایی را که در دیدار با هیأت دولت بیان شده بود منتشر کرده است." رادیو فرانسه استعفاى ظریف و بازگشت مجددش بر صندلی وزارت خارجه، نه "عشوه‌گری" بود و نه قهر و نه کنار کشیدن! این رفت و برگشت، با هر تحیل و بیان و نگرشی که از طرف این و آن رسانه پرو حکومتی یا اپوزیسیون، مورد ارزیابی قرار بگیرد، نشان فشار دولت به مقام معظم گفته شود، یا "عضله‌نمایی" جناب ظریف و "تلنگر به رهبر" و "تودهنی" به مخالفین جناب ظریف و "برجام"، بی تردید بیانگر یک روی واقیعت مربوط به معضلات درون حکومتی است. معضل چگونگی یافتن راه نجاتی، برای عبور از گذرگاه فروپاشی و سرنگونی، یافتن گذرگاهی که بتواند شالوده نظام را حفظ و بخصوص در مقابل خطر سوسیالیسم، کاپیتالیسم ایران را، حفظ کند. در این راه است که مشغول لگدکردن دست و پای همدیگر و زدن انواع سبلی‌ها به صورت شخصیت‌ها و مقامات خود هستند. در این راه، جمهوری اسلامی از هیچ سرمایه‌گذاری، جنگ و ترور و فرمان جهان، نوشیدن انواع جام‌های زهر، راه اندازی هالوکاست اسلامی و قمه کشی بر روی نزدیک‌ترین برادران خونی خود، دریغ نمی‌کند، اگر بدانند که راه نجاتی باز و "فریاد رسی" هست.

این حکومتی است که اگر لازم باشد خود از روی جنازه مقام معظم هم رد میشود، تا نظام را حفظ کند! اگر لازم باشد، به نیابت از طبقه حاکم

و منافعش، خود با دستان خود دسته‌های مختلف از "آخوندها" را هم با عمامه هایشان حلق آویز خواهد کرد و دسته دسته از یاران دیرین خود را به جوخه‌های اعدام می‌سپارد! اگر بدانند که میتواند به این طریق نظام را حفظ کند! اگر امروز تیغ شان علیه هم کمتر از گذشته برندگی دارد، به خاطر دشمن اصلی است که از دیماه سال گذشته برای رسیدن به رفاه و آزادی و امنیت‌اش، به میدان آمده است! به میدان آمدن میلیونها متعرض تحت حاکمیت این جانوران، از خیزش دیماه، هفت تپه و فولاد و ادامه هرروزه اعتراضات معلمان و بازنشستگان و دهها و دهها مرکز کارگری و صدها شهر و روستا و محل کار و زندگی، بیش از یک سال است که یک روز خواب خوش را از چشمان هیئت حاکمه، با همه دسته‌ها و جناح‌ها و .. روبرو کرده است. دستگیری‌ها و شکنجه‌ها و "مستندسازی‌ها" و سرکوب‌های نرم و سخت و ... کمترین خللی در اراده میلیون‌ها نفر از مردم محروم در ایران که نان سفره شان گرو حفظ نظام است، ایجاد نکرده است و درونمای تسلیم و عقب نشینی از این سنگر مقاومت در مقابل تحمیل فقر و فلاکت بیشتر، وجود ندارد. یک نمایش ساده از استیصال و سربرسنگ کوبیدن‌های مقام معظم از جمله این است که: مقام معظم نوارها، و "مستند سازی‌های" خود، علیه دولت را که در صندوقچه داشته، امروز رو کرده است تا نرمش قهرمانانه دو روز قبل تر خود را "ماست مالی کند!" رو کردن شکوه "بایگانی" شده از دولت، که به اروپایی‌ها اعتماد کرده است، نشان وخامت اوضاع رهبر است! رفت و برگشت ظریف و

"مستندسازی" مقام معظم علیه دولت و ... همه و همه مقاطعی است از تلاش برای یافتن عبور از گذرگاه فروپاشی و سرنگونی. تلاشی که بزرگترین مانع در مقابل آن نه آمریکا و اسرائیل و عربستان و ... که فشار انفجار اعتراضی است که در سراسر ایران، از معلمان تا بازنشستگان و دهها و دهها مرکز کارگری و ... را در بر گرفته است. باز نگهداشتن سر شکاف با آمریکا و سرمایه‌گذاری بر کیس سوریه و نمایش قدرت میلیتاریستی در خاورمیانه و امید بستن به ناجی‌هایی چون روسیه و چین، و .. همه و همه را میتوان در جدال درون کمپ ارتجاع جهانی و منطقه‌ای مدیریت کرد! اقتصاد کوپنی، تحمیل فقر و فلاکت افسار گسیخته تر و ... خالی شدن خزانه و ... همه و همه قابل مدیریت کردن است! مگر قدرت حاکم بر ایران از سوماتی و مناطق دهه‌ها برهوت شده، چه چیزی کم تر دارد! تفاوت هیئت‌های حاکمه نیست. تفاوت، در شکل و شمایل و جایگاه و موقعیت محرومین در ایران و جغرافیاهایی چون سوماتی است. تفاوت در توازن قوایی است که به حکومت اجازه امتحان کردن خیلی از سناریوهای عبور را نمی‌دهد. بطور واقعی انتخاب بین "گزینه سخت" و یا "فروپاشی" انتخاب واقعی نیست! نه به این دلیل که این‌ها گزینه‌های "سخت" را نمی‌خواهند امتحان کنند. به این دلیل که امروز هر گزینه ای، "سخت" یا "نرم"، نه در انزوا و خلوت و فقدان مدعیان، که در مقابل مدعیان صورت میگیرد! در محضر و مقابل مدعیانی صورت میگیرد که بیش از یک سال اعلام کرده اند که "اصلاح طلب، اصول گرا، دیگر تمام است ماجرا". بیش از یک سال است مدعیان و محکومین برای رسیدن به حقوق انسانی شان به میدان آمده اند و نشان داده اند که حاضر به عقب نشینی نیستند! سرمایه‌گذاری کامل

هست و نیست سیاسی و اقتصادی خود، بر کیس سوریه و عراق و موقعیت ایران در منطقه، اگر میتوانست دهه‌های قبل گذرگاه عبوری باشد، امروز مثل گذشته نسخه نجات بخشی نیست. حساب باز کردن بر روی قدرت بسته نگاه داشتن دریچه اختناق و دستگیری و حبس و سرکوب سازمان دهندگان اعتراضات، نشان داد که دوام چندانی ندارد. بی تردید کیس سوریه، میتوانست میدان مانور مهمی در استفاده از شکاف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، برای دستگاه حاکمیت، در استفاده از میلیتاریسم و دیپلماسی و .. برای فرار از فروپاشی، به رهبری خامنه‌ای، باشد! به این شرط که فاکتورهای دیروز، و قدرت حاکمیت دیروز، امروز هم میتوانست عمل کند! تفاوت امروز با دیروز در این است میلیون‌ها نفری که ریل به ریل مخارج دستگاه میلیتاریستی و حضور نظامی در منطقه را حسابرسی میکنند، و آن در کنار مخارج پرداخت نشده زندگی شان قرار میدهند، این مانور‌ها را برایشان نه تنها هزینه بردار که مخاطره آمیز میکنند. جمهوری اسلامی راه و گذرگاه، نرم یا سخت، برای عبور از خطر فروپاشی و سرنگونی ندارد! سوال این است که جنبش محکومین در ایران، جنبش طبقه کارگر و جنبش محرومین، برای کوتاه کردن و هرچه کم خطر کردن فروپاشی جمهوری اسلامی، و برای پیوند زدن آن با راه‌گشایی به سمت یک جامعه سوسیالیستی، تا چه اندازه تعجیل، میکنند! برای صف دشمنان، از تهران تا دمشق و بغداد "فریاد رسی" نیست!

پس از هفت تپه و فولاد، طبقه کارگر و محرومان جامعه خودآگاه تر، رادیکالتر، روشن تر، امیدوارتر و قدرتمند تر، راه پیشروی خود را هموار میکند. برای میلیون‌ها شهروند در ایران، راه برای به قدرت رساندن خود، باز است.

مرکز بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

۸ مارس ...

در ایران، سلاح اسلام سیاسی همراه با دولتش، با گله اوپاش حزب الله اش، و با بساط شلاق و حجابش، مورد هدف جنبشی عظیم در دفاع از حقوق زنان قرار گرفته است. جنبش عظیم ضداسلامی که دستگاه مخوف زن ستیز اسلامی را نشانه گرفته است. میلیونها زن و جوان در دل خفقان ضد زن اسلامی در ایران چهاردهه است که هر روز به جنگ زن ستیزی و نابرابری دو جنس میروند. این جنبش دارد درب اختناق و استبداد را از جا میکند. خیزشهای دیمه ۹۶ حکم به رهایی زنان داد؛ جنبشی که مبشر رهایی زنان، نه تنها در ایران که در سراسر جهان است. جنبشی که میتواند همراه محو کردن بی حقوقی زن کل سیستم و نظامی که از این بی حقوقی سود میبرد را نیز نابود کند. سرمایه داری در میدان جنگ برای رهایی زن، تمام هستی خود را گرو گذاشته است! و رهایی زن، میتواند سرآغاز رهایی انسان از قید بردگی مزدی و بردگی سرمایه باشد!

جمهوری اسلامی اینهمه سال با همه دستگاه سرکوب و انصار حزب الله اش نتوانست با این جنبش رادیکال و انسانی برای دفاع از برابری زن و مرد،

مقابله کند.

نطفه جنبش آزادیخواهی زنان علیه قوانین اسلامی و برای آزادی و برابری در گرماگرم انقلاب ۵۷ و در همان روزهای آغازین به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی بسته شد. اکنون سالهاست که زنان و مردان آزادیخواه در ایران به صفوف اعتراض بین المللی هشت مارس پیوسته اند و مراسمها و تظاهراتی هشت مارس در تهران و در سنج از نقاط درخشان این سنت آزادیخواهی بین المللی در جامعه ایران هستند.

از آن زمان تا امروز میلیونها زن در ایران سالهاست برای آزادی و علیه حجاب و آپارتاید جنسی و زن ستیزی اسلامی و مردسالاری مبارزه می کنند. زنان در ایران باید آزادی را کسب کنند: آزادی انسان بودن و حرمت داشتن؛ آزادی نه گفتن، آزادی فریاد زدن و دوییدن و آزادی لباس پوشیدن، آزادی ابراز وجود و آزادی اعتقاد؛ آزادی بلند حرف زدن و بلند خندیدن؛ آزادی از ترس، آزادی از خفت و آزادی از گرسنگی؛ آزادی یاد دادن و آزادی آموختن؛ آزادی از قوانین دینی؛ آزادی از خشونت، آزادی از نابرابری در زندگی جنسی و آزادی برابر بودن. این آزادیخواهی باید در

هشت مارس شعله کشد.

هیچ زمانی مانند دوره معاصر و امروز، جامعه ایران تشنه آزادی زن نبوده است. جنبش زنان برای رهایی و برابری از ۸ مارس ۵۷ تا دختران خیابان انقلاب در خیزشهای دیمه ۹۶، قدمهایی بزرگی به جلو برداشته و در عرض و عمق بالغ و تعمیق شده است. این گفته معروف فوریه که مارکس آن را در متن نقد عمیق انسانی خود از رابطه زن و مرد در نظام سرمایه داری و ستمکشی زن طرح کرد، بیش از هر زمانی در ایران امروز مصداق دارد: "آزادی زن معیار آزادی جامعه است." مارکس رابطه زن و مرد در خانواده و جامعه را انعکاسی از سطح ترقی و پیشرفت اجتماعی می دید. او بر ستمکشی زن که ریشه آن را نه در اقتصادیات و آرا و افکار واپسگرایانه و ارتجاعی قرون وسطی بلکه در مناسبات بورژوازی حاکم و نظام مالکیت خصوصی و کارمزدی می دید، تاکید کرد و با اشاره به گفته فوریه نوشت: "شاخص آزادی و پیشرفت هر جامعه ای، رهایی و پیشرفت زنان در آن جامعه است و موقعیت عمومی زنان در جامعه مدرن سرمایه داری غیرانسانی است. پیشروی زنان بسوی رهایی همواره معیار تحول

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خرسرم)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistKhatRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

و تکامل هر دوره ای از تاریخ است. چرا که درست در رابطه زنان با مردان و ضعیف نسبت به قوی است که غلبه و پیروزی طبیعت انسانی بر توحش آشکار و عیان می شود. رهایی زنان در جامعه شاخص سنجش رهایی کل آن جامعه است. موقعیت حقارت بار زنان وجه مشخصه تمدن معاصر است، همانطور که زنان در دوران بربریت و توحش، موقعیت فرودستی داشتند با این تفاوت که در دوران بربریت ستم بر زنان بطرز آشکار و بدون ابهام و پیچیدگی اعمال می شد. در جامعه معاصر سرمایه داری ستم بر زنان بشکلی پیچیده، فریبکارانه، مبهم و ریاکارانه اعمال می شود.

هشت مارس سنگری علیه توحش نظام سرمایه داری و برای تحقق آزادی زن و آزادی جامعه است. زنان و مردان حق طلب و آزادیخواه باید در تدارک هرچه وسیعتر و با شکوه تر این روز جهانی و تحکیم این سنگر پایدار مبارزه برای آزادی و برابری باشند.

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!